

اهداف گزاره‌های علمی قرآن

دکتر حمید فغفور مغربی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه

قرآن خود را کتاب هدایت بشر نامیده است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ...» (بقره/ ۱۸۵). همین‌طور همه کتابهای آسمانی را کتب هدایت معرفی نموده است: «نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ» (مائده/ ۴۴).

دهها آیه قرآن کریم به طور مستقیم یا ضمنی به مباحث علمی پرداخته‌اند، اما آیا این آیات علمی و هستی‌شناختی از دید قرآن کریم هدف اصلی است یا این طبیعت‌شناسی مقدمه‌ای بر آیت‌شناسی و پی‌بردن به عظمت خالق آیات است؟

چکیده

قرآن خود و همه کتب آسمانی را کتاب هدایت انسان معرفی می‌کند. هدف اصلی قرآن هدایت انسان است، ولی به خاطر اهداف فرعی و حاشیه‌ای آن، نکاتی از دانشهای گوناگون را آورده است.

گزاره‌های علمی قرآن مقدمه هدف اصلی قرآن می‌باشد.

گزاره‌های علمی قرآن واقع‌نما و طبیعت‌شناسی آن دقیق و درست است و مسلمانان را به مطالعه و بررسی طبیعت تشویق می‌کند، ولی برای اهدافی مهم‌تر که شناخت خداوند و معاد است، به کار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علم، طبیعت‌شناسی، گزاره‌های علمی.

آیا قرآن کتاب علوم طبیعی است؟ یا بیان این علوم را راهی قرار داده است تا مردم با تعقل و جست و جو در شناخت موجودات طبیعی به عظمت مدبر و خالق عالم هستی پی‌برند؟

مفسران و دانشمندان اسلامی با توجه به آیات قرآن در مورد اهداف اصلی و فرعی قرآن مطالب مبسوطی بیان کرده‌اند. از جمله محمد تقی مصباح یزدی در معارف قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی در درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن و ناصر رفیعی محمدی در تفسیر علمی قرآن، احمد عمر ابوحجر در التفسیر العلمی فی المیزان.

اهداف اصلی و عام

آیات علمی قرآن در این بخش با سایر آیات مشترک است. قرآن مجید طی صدها آیه در مناسبت‌های مختلف بشر را به خداشناسی، معادشناسی و توحید دعوت می‌کند. در واقع، هدف اصلی این آیات توجه دادن به ایمان به خدای متعال و تقویت مبانی اعتقادی است (تفسیر علمی قرآن، ۱ / ۱۲۵ تا ۱۲۷).

۱- اثبات وجود خدای متعال و توحید

خدای سبحان بشر را از نعمت عقل برخوردار ساخت و پیامبران را فرستاد تا او با کاربست عقل به مبدأ هستی پی‌برد. اشارات علمی آیات، عقل را خطاب قرار می‌دهد تا با تأمل در این نشانه‌ها به عظمت آفریننده اعتراف کند. دکتر عبدالله شحاته در تأیید این مطلب می‌نویسد: «سوره‌ای در قرآن یافت نمی‌شود و به خصوص سوره‌های مکی؛ مگر این که در آن اشاره یا تصریحی به عالم هستی و تأمل در نظم و خلقت آن است تا سمع و بصر و حواس و عقل بشر را برای تفکر در خلقت الهی تحریک کند. آن گاه از مخلوق به خالق و از طبیعت به ایجاد کننده آن و از مسبب به سبب و از مصنوع به صانع پی‌برد، خدای متعال فکر بشر را به سوی دقیق‌ترین، عظیم‌ترین، کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین امور هستی فراخواند و این، آن چیزی بود که اعراب (صدر اسلام) با فطرت سلیم اعتراف کردند. همان طور که سرگین شتر دال بر وجود

اشتر و جای پا دال بر عابر است، آسمان بلند و زمین هموار و دریای موج هم دلالت بر خالق آگاه و خبیر می‌نماید» (عبدالله شحاته، تفسیر الآیات الکونیه، ص ۳۰).

استدلال بر خداشناسی در این آیات از راههای مختلف و با استفاده از براهین متعددی صورت پذیرفته است که در کتب کلامی در مورد آنها بحث شده است.

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران / ۱۹۰ و ۱۹۱)؛ «مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز عبرتی برای خردمندان است؛ آنان که ایستاده و نشسته و به پهلو خفته، خدا را یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ پروردگارا! این جهان را بیهوده نیافریده‌ای. تو منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار».

۲- آیات علمی برای اثبات معاد و هدف داری خلقت :

بخش بزرگی از گزاره‌های علمی قرآن به هدف داری خلقت و بیهوده نبودن آفرینش اشاره دارد و اینکه دنیا با همه مظاهر و نعمتهایش مزرعه و مقدمه زندگی اخروی است. قرآن مجید خلقت و تحولات طبیعی وهستی را دلیل امکان وقوع معاد می‌داند و بشر را به تفکر و تأمل در این پدیده‌ها بر می‌انگیزد تا بداند فراسوی این دنیا جهان دیگری هست که در آن کنش افراد بررسی می‌شود (تفسیر علمی قرآن، ۱/ ۱۲۸ تا ۱۲۹). چند آیه را در این مورد ذکر می‌کنیم.

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ * إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ﴾ (طارق / ۵-۸)؛ «پس آدمی بنگرد که از چه چیز آفریده شد؛ از آبی جهنده آفریده شد که از میان پشت و سینه بیرون می‌آید. همانا خداوند به بازگردانیدن او توانا است».

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ» (بقره ۲۸)؛ «چگونه خدا را انکار می‌کنید و حال آنکه شما را روحی نبود و زنده‌تان کرد و پس از آن می‌میراند و بار دیگر زنده‌تان می‌کند و سرانجام به سوی او بازخواهید گشت».

«وَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (یس / ۸۱)؛ «آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید بر آفرینش مانند آنها توانا نیست؟ آری [او قادر است زیرا] او آفریننده دانا است».

آیاتی که در آنها با اشاره به برخی پدیده‌های طبیعی، امکان وقوع معاد بیان شده است، مثلاً:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَتُقَرَّفَىٰ الْأَرْحَامَ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلِّغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُّتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُّرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ

كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (حج / ۵)؛ «ای مردم اگر در رستخیز شک دارید پس [توجه کنید که] ما شما را از خاک آفریدیم؛ سپس از نطفه، سپس از علقه، سپس از مضغه شکل‌دار و بی‌شکل... [از طرف دیگر] زمین را [در فصل زمستان] خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که باران را بر آن فرو می‌فرستیم سبز و خرم می‌شود و رشد می‌کند و از هر نوع گیاه زیبا می‌رویاند».

۳- کشف نظم و انسجام و هدفداری در طبیعت

در بسیاری از آیات قرآن وجود نظم، انسجام و هدفداری در طبیعت دلیل وجود خالق حکیم و مدبر ذکر شده است. این آیات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد (قرآن و علوم طبیعت، ۱۱۷ تا ۱۲۰):

الف - خلقت آسمانها و زمین به حق و هدفدار است و باطل و از روی لهو و لعب نیست، مانند:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ * مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (دخان / ۳۹ و ۳۸)؛ «و آسمانها و

زمین و آنچه بین آنها هست را به بازیچه نیافریدیم. آنها را جز به حق نیافریدیم، ولی بیشتر آنها نمی دانند. ﴿...وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران / ۱۹۱)؛ «... و در خلقت آسمانها و زمین می اندیشند، [و می گویند] خداوندا اینها را بیهوده نیافریدی...». ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...﴾ (انعام / ۷۳)؛ «و اوست کسی که آسمانها و زمین را به حق آفرید...».

ب - پدیده های طبیعی مهلت معینی دارند:

﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ﴾ (روم / ۸)؛ «آیا در پیش خودشان فکر نکردند که خدا آسمانها و زمین و آنچه بین آنها هست را جز به حق و برای مهلت معینی نیافریده است و بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان کافرند».

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ

عَمَدٍ تَرْوُهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ (رعد / ۲)؛ «خدایی که آسمانها را بدون ستونی که ببینید برافراشت، سپس به کار عرش پرداخت و خورشید و ماه را مسخر ساخت که هر یک تا زمان معینی حرکت دارند. او کارها را تدبیر و آیات را تشریع می کند تا به لقای پروردگارتان یقین کنید».

ج - خلقت پدیده ها و جریان امور طبیعت روی حساب و اندازه معین می باشد، مانند:

﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ﴾ (الرحمن / ۵)؛ «خورشید و ماه روی حساب در گردش اند». ﴿... وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾ (رعد / ۸)؛ «... و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد».

﴿...وَخَلَقَ كُلُّ شَيْءٍ فَقْدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (فرقان / ۲)؛ «و همه چیز را آفرید و برای آن اندازه ای معین مقرر داشت».

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن / ۷)؛ «و آسمان را برافراشت و میزان «عدل و نظم» را در عالم

وضع نمود).

﴿وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ﴾ (حجر / ۱۹)؛ «... و در آن از هر نوع گیاه موزون آفریدیم».

درست به دلیل وجود همین نظم است که قوانین طبیعی مفهوم پیدا می‌کنند. دانشمندان علوم طبیعی هم اگر حداقل واقعاً به وجود نظم در طبیعت قائل نبودند، اینسان به دنبال کشف قوانین طبیعت نمی‌گشتند. از آیات مذکور و آیاتی نظیر آیه زیر می‌توان نتیجه گرفت که کشف نظم و انسجام در طبیعت «یعنی قوانین طبیعی» و اتقان صنع خداوند یکی از مسائل عمده طبیعت‌شناسی قرآن است.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (یونس/۵)؛ «اوست خدایی که خورشید را روشنی بخش و ماه را نورانی قرار داد و برای آن منزلگاههایی مقدر کرد تا عدد سالها و حساب «کارها» را بدانید. خداوند این را بجز بحق نیافریده است. او آیات خود را برای دانشمندان شرح می‌دهد».

۴- اعجاز علمی قرآن

هدف دیگری را نیز می‌توان از «مجموعه آیات درباره طبیعت» - نه فقط از یک یا چند آیه قرآن - استنباط کرد و آن نشان‌دادن اعجاز علمی کتاب خدا است، آنچنان که عالمان بزرگ اعجاز علمی را یکی از ابعاد اعجاز قرآن دانسته‌اند. (البیان، ۷۰؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن ج ۱ و ۲) و قرآن پژوهان معاصر یکی از گرایشهای تفسیری را تفسیر علمی قرآن نامیده‌اند.

«نادیده گرفتن ادبیات پرحجم «اعجاز علمی در قرآن کریم» چه از نظر کمی و چه از جنبه کیفی ممکن نیست... واقعیت این است که مباحث اعجاز قرآن جدید نیست و آغاز آن به قرن دوم هجری باز می‌گردد. درحالی که بحث اعجاز علمی تازه است و بیش از یک قرن نیست که مطرح شده است و شکوفایی آن به چهار دهه اخیر برمی‌گردد و این بخشی از بیداری یا احیای فکر اسلامی معاصر است» (السید، رضوان، مساله الاعجاز و الاعجاز العلمی فی القرآن،

محققان بی‌طرف غربی نیز در مقایسه کتابهای مقدس آسمانی به این نتیجه رسیده‌اند که قرآن و علم با یکدیگر هماهنگ هستند.

«من بدون هیچگونه پیشداوری و با واقع بینی تام، بررسی وحی قرآنی را با جستجوی درجه سازگاری آن با داده‌های دانش نوین آغاز کردم... و در پایان برایم روشن شد که قرآن هیچ مطلبی که از نظر علمی عصر جدید انتقادپذیر باشد ندارد» (بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۰).

موارد بسیاری وجود دارد که مفسران قرآن به یاری یافته‌های قطعی علمی به توضیح و شرح آیات قرآنی پرداخته و از این جنبه اعجاز قرآن پرده برداری کرده‌اند. (ر.ک. به: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، ج ۱ و ۲) آنان در واقع علم را در خدمت فهم قرآن قرار داده‌اند و به کمک کشفیات قطعی علم، صحت و صدق مطالب قرآن را روشن کرده‌اند از این موارد می‌توان به قانون

زوجیت در موجودات «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» باروری از طریق باد «وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ» (حجر/ ۲۲) و دهها مورد دیگر اشاره کرد که در پرتو یافته‌های علمی آشکار شده‌اند. (ر.ک. به: همان)

بهره‌گیری از علوم روز در تفسیر آیات با رعایت موازین روشمندانہ منعی ندارد و نشانه عظمت کتاب الهی نیز است. قرآن در بحثهای توحیدی، خداشناسی، معاد و امثال آن از یک سلسله حقایق علمی پرده بر می‌دارد و علاوه بر کسب نتایج توحیدی، اخلاقی و دینی، پیروان خود را در جریان علوم می‌گذارد و راه گشای دانشها می‌شود. مفسران قرآن در این قسم از تفسیر آیات قرآن، به کمک علوم روز و با پرهیز از تاویل، تکلف، تطبیق و تفسیر به‌رای، قوانین طبیعی مسلّم را چراغی برای کشف رموز آیات قرار می‌دهند که این کار اعجاز قرآن را بیش از پیش روشن می‌کند و همگان بویژه دانشمندان را به خضوع در برابر آن وا می‌دارد و به این نتیجه

می‌رساند که قرآن نازل شده در چهارده قرن پیش مطالبی را مطرح کرده است که بشر امروز در پرتو تلاش فراوان علمی به آن دست می‌یابد در چگونگی استفاده از علم در تفسیر قرآن راه اعتدال، کاری عالمانه و روشمندانه است.

«بر سر این دوراهی کمتر کسی می‌تواند راه میانه را برود ... فهمیدن حقایق قرآن و تشخیص مقاصد آن از راه ابحاث علمی دو جور است؛ یکی این که ما در مسئله‌ای که قرآن متعرض آن است بحثی علمی یا فلسفی را آغاز کنیم و آن قدر آن را ادامه دهیم تا حق مطلب برای ما روشن و ثابت شود، آن گاه بگوییم آیه هم همین را می‌گوید، این روش هر چند که مورد پسند مباحث علمی و نظری است، ولکن قرآن آن را نمی‌پسندد و دوم این که برای فهم آن مسئله و تشخیص مقصود آن آیه از نظایر آن آیه کمک بگیریم و منظور از آیه مورد نظر را به دست آوریم، آن گاه اگر بگوییم علم هم همین را می‌گوید عیبی ندارد و این روشی است که می‌توان آن را تفسیر

خواند، قرآن آن را می‌پسندد» (علامه طباطبائی، المیزان، ۱ / ۱۷ و ۱۸).

جالب است بدانیم قرآن در آیات علمی خود که به جهان طبیعت و تحولات آفرینش اشاره می‌کند، صاحبان خرد را مورد خطاب قرار می‌دهد و این به معنای آن است که دانشمندان می‌توانند آن را درک کنند.

در واقع مخاطب قرآن در فهم آیات علمی، کسانی‌اند که عالم یا اهل تفکر و تعقل می‌باشند. برای نمونه به آیات زیر توجه کنید

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾
(نحل / آیه ۱۱ و ۱۰)؛ اوست خدایی که آب را از آسمان فرو فرستاد تا از آن بیاشامید و با آن گیاهان و درختان پرورش دهید... در این امر نشانه‌ی روشنی است برای گروهی که فکر می‌کنند.

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل / ۱۲) و ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاخْتَلَفَ الْأَلْوَانُكُمْ وَأَلْوَانُكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (روم / ۲۲).

﴿... وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ... لَقَوْمٌ يَفْقَهُونَ﴾ (انعام/ ۹۸).
 بآ آنک توجهی به آیات بالا و عناوینی چون «فکر می‌کنند»، «تعقل می‌کنند»، «عالم هستند» و «گروهی که بطور عمیق می‌فهمند» که در انتهای آیات آمده است، مخاطبان آیات علمی مشخص می‌شود، اما چرا قرآن به صراحت از حقایق علمی سخن نگفته است؟ برای مثال حرکت زمین را با اشاره لطیفی به «مهد» بیان کرده و با صراحت فرموده است، زیرا مردم و عالمان زمانه بر سکون زمین عقیده داشتند و حرکت زمین برای آنها غیرقابل تردید بود.
 «مطالبی را که قابل فهم و درک آن دوران بود با وضوح و صراحت بازگو نموده ولی در مورد مطالبی که از فهم و درک مردم آن عصر دور بوده، به اجمال و اشاره قناعت کرده و شرح و بیان و درک کامل آن را به مردم قرنهای بعدی که با اکتشافات و پیشرفتهای علمی مجهز می‌شوند، واگذاشته است» (البیان، ابوالقاسم، ۷۱).

هرگز نباید انتظار داشت که قرآن مجید تمام مسائل علوم طبیعی و اسرار و خواص همه اشیا را بیان کند، زیرا قرآن برای این مقصود بیان نشده است قرآن یک دایرة المعارف یا کتاب زمین شناسی و گیاه شناسی و فیزیولوژی نیست، قرآن کتاب تربیت و هدایت است، و نازل شده است تا انسانها را به سوی زندگی پاک آمیخته با سعادت و فضیلت رهبری کند که صدق، امانت، نظم و رحمت بر آن حاکم باشد و سرانجام او را به قرب خدا برساند.

اگر می‌بینیم خداوند درباره قرآن می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/ ۸۹)؛ «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم برای بیان هر چیزی» منظور خداوند بیان کلیه اموری است که به نجات، سعادت، تربیت نوع انسان و هدایت او مربوط است، لذا به دنبال این جمله می‌فرماید: ﴿وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ «و برای هدایت و رحمت و بشارت همه مسلمانان»، ولی چون ذکر پاره‌ای از آیات الهی و اسرار آفرینش در سراسر جهان

و در وجود خود انسان، به شناخت خدا و عظمت عالم آفرینش - فعل خدا - کمک می‌کند، گهگاه در لابه‌لای آیات قرآن با اشاره، به آنها پرده از روی اموری که تا آن زمان از دانشمندان مخفی بود برمی‌دارد. (تفسیر علمی قرآن، ۱۳۱/۱ - ۱۳۴).

اگر بخشی از اسرار علوم و حقایق عالم هستی در قرآن آمده است به عنوان عرضه علوم طبیعی و مانند آن به سبک یک دائرة المعارف نیست، بلکه به منظور اهداف تربیتی و اخلاقی، و تعلیم درس توحید و خداشناسی و فهم اسماء و صفات حق یا آشنا شدن با گوشه ای از اسرار معاد و مانند آن است (پیام قرآن، ۸ / ۱۴۳ - ۱۴۵).

قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه جاوید پیامبر اسلام است. همه انبیا معجزاتی مادی و قابل درک با حواس مردم داشتند، اما امروزه تنها خبری از آنها باقی مانده است و پذیرش وقوع معجزات توسط انبیای گذشته، جز از راه قرآن امکان پذیر نیست، این قرآن است که از معجزات نوح و ابراهیم و موسی و

عیسی علیه السلام خبر داده است، اما به کتب دیگری که بخشی از این معجزات را نقل کرده‌اند نمی‌توان اعتماد کرد، چون این اخبار را با خبرهای غیرواقعی مخلوط کرده‌اند. معجزه رسول خدا متناسب با رسالت جاودانه و جهانی‌اش، غیر مقطعی و غیر موردی و برای همه مردم تا قیامت است و تا شریعت برپاست، قرآن هم حجتی استوار و نشانه‌ای پایدار و بی‌نظیر خواهد ماند، هم‌زمان شمول است، هم جهان شمول.

مصطفی صادق رافعی در مورد اعجاز علمی قرآن می‌نویسد:

«از ادله اعجاز علمی قرآن این است که برای مفسران در تفسیر خود به واسطه نقصان وسایل علمی اشتباهی رخ داده که در نتیجه تکمیل وسایل و پیشرفت علوم طبیعی آن اشتباهات مرتفع گشته و به هر مقدار که پیشرفت فنون طبیعی و اکتشافات علمی و وسایل فنی بیشتر گردد، حقایق قرآن روشن‌تر می‌شود» (صادق رافعی، مصطفی، الاعجاز القرآن والبلاغة

النبویه، ۱۰۵).

سید ابوالقاسم خویی نیز یکی از وجوه اعجاز قرآن را مشتمل بودن آن بر اسرار آفرینش می‌داند و می‌نویسد:

«قرآن در آیات زیادی از قوانین هستی و رموز طبیعت و اجرام آسمانی و موضوعات دیگر بحثهای جالب و شگفت‌انگیزی نموده است و به طور مسلم اطلاع از چنین سنن و قوانینی جز از طریق وحی امکان نداشت (البیان، ص ۷۰).

آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌نویسد: «یکی از وجوه اعجاز قرآن، که نشان دهنده نزول آن از نزد خداست، مشتمل بودن بر بعضی از اسرار آفرینش و رموز جهان هستی است که بشر در آن عصر اطلاعی نداشت؛ به ویژه در *جزیره العرب* که از نمونه عصر دور بوده این اخبار در قرآن است، به گونه‌ای که مجموع آن از یک کتاب تجاوز می‌کند» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۷۹).

رشید رضا نیز می‌نویسد:

«وجه هفتم از وجوه اعجاز قرآن اشتمال آن بر تحقیق بسیاری از مسائل علمی و تاریخی است که در زمان نزول قرآن شناخته شده نبوده است و بعد از آن با تلاش محققین از طبیعت‌شناسان و جامعه‌شناسان (... دانسته شده است.)» (رشید الرضا، المنار، ۲ / ۱۲۰).

مفسران دیگر مانند احمد حنفی، محمد عبده، کواکبی، طنطاوی، محمد ابوزهره نیز، به اعجاز علمی قرآن تصریح کرده‌اند و معتقدند که قرآن علاوه بر جهان شمول بودن، زمان شمول نیز هست و از نظر علمی معجزه است.

اهداف فرعی و طرح گزاره‌های علمی در قرآن

بررسی دقیق نشان می‌دهد که اهداف اصلی قرآن از کاربری گزاره‌های علمی، جنبه هدایتی است، ولی اهداف فرعی آن مقدمه بودن برای هدایت است و گزاره‌های علمی را بطور مستقل مطرح نکرده است و البته گزاره‌های علمی آن کاملاً واقع است و خطایی در آن نیست.

۱- طبیعت شناسی

منظور از طبیعت عالم مادی است؛ عالمی که با حواسمان با آن در ارتباط هستیم. آیات فراوانی از قرآن کریم به پدیده‌های طبیعی اشاره دارند و در بیشتر آنها مطالعه کتاب آفرینش و تدبّر در آنها توصیه شده است؛ البته چنانکه بسیاری از علمای برجسته اسلام تأکید کرده‌اند قرآن کتابی با موضوع علوم طبیعی نیست؛ بلکه کتاب هدایت است و اگر از پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کند، برای آن است که مردم با کاوش و تدبّر در موجودات طبیعی به عظمت خالق و مدبّر عالم پی‌برند و خود را به او نزدیک کنند.

جالب است بدانید که مجموع آیات الاحکام و آیات فقهی قرآن ۴۵۰ تا ۵۰۰ آیه است (شهابی، محمود، ادوار فقه، ۲۵۷)، حال آنکه آیات مربوط به طبیعت بیش از ۷۵۰ آیه می‌باشد (نصر، سیدحسین، نظر متفکران مسلمان در مورد طبیعت، ۱۲).

«در قرآن کریم متجاوز از ۷۵۰ آیه وجود دارد که در آنها به‌طور

مستقیم یا غیرمستقیم به بررسی پدیده‌های طبیعی و اهمیت مطالعه عمیق آنها و آیت‌بودن آنها بر علم و قدرت و حکمت الهی تأکید شده است، از دیدگاه قرآن، طبیعت منبع سرشار و زاینده‌ای برای مطالعه، شناخت و بررسی و کاوش بوده و انسان متفکر باید هرچه بهتر و بیشتر بدان نگرسته و جمال دلربای الهی را در این آیینه صاف بی‌غبار مشاهده کند. قرآن به هنگام بیان ظرافت‌ها و لطافت‌ها و قوانین پیچیده طبیعی حاکم بر پدیده‌های طبیعی همواره بر این نکته تأکید می‌نماید که تمام این زیبایی‌ها و دلربایی‌ها ناشی از علم و قدرت و جمال نامتناهی الهی بوده و موجودات طبیعی، نشانه‌های وجود خالقی حکیم، علیم و قدیراند و در واقع طبیعت‌شناسی قرآن جهت‌دار بوده و صرفاً برای آموزش خشک و بی‌روح قوانین حاکم بر باد و باران و کوه‌ها و دریاها و... بیان نشده است. اصرار قرآن بر این است که این طبیعت‌شناسی باید صبغه و روح آیت‌شناسی به خود گرفته و به منزله

تصویری در آینه باشد که ما را به صاحب تصویر هدایت می‌کند» (همان، ص ۱۲ و ۱۳).

بنابراین هدف اصلی قرآن نشان دادن این است که طبیعت از آیات الهی که نشانه علم و قدرت و حکمت اوست، می‌باشد، یعنی نشان از مبدأ عالم است و اینکه پدیده‌های آفرینش، آیت الهی‌اند.

با بررسی آیات قرآن می‌توان گفت از مهم‌ترین اهداف آیات علمی قرآن، اثبات وجود خدا و معاد است تا جایی که بعضی ادعا کرده‌اند «سوره‌ای در قرآن یافت نمی‌شود، به ویژه سوره‌های مکی مگر اینکه در آن اشاره یا تصریحی به عالم هستی و تأمل در نظم و خلقت آن است تا سمع و بصر و حواس و عقل بشر را برای تفکر در خلقت الهی تحریک کند آن گاه از مخلوق به خالق و از طبیعت به ایجاد کننده آن و از مسبب به سبب و از مصنوع به صانع پی ببرد» (شحاته، عبدالله، تفسیر الایات الکونیه، ۳۰).

جالب است نه تنها واژه آیه و

مشتقات آن معنی‌داری جهان را نشان می‌دهد حتی واژه «شی» که ترجمه «پدیده» «فنون» یا «چیز» می‌شود، مفهوم آن تفاوت جدی با واژه «پدیده» و «چیز» دارد. ریشه «شی» از «شاء، یشاء، شیئا» یعنی «خواسته» است و مشیت نیز از همین ریشه است. مفهوم شی یا خواسته یعنی کسی آن را خواسته و به مشیت خود آفریده و برای خواست و هدفی آن را پدید آورده است. پس هم مبدأ و آغاز را نشان و هم هدف و معاد را، اما واژه «پدیده» یعنی زمانی نبود و بالاخره پیدا شد و «چیز» هم به معنای چه است و اینکه هست، ولی مبدأ و هدف را نشان نمی‌دهد، به ویژه با بررسی و تحقیق ملاحظه می‌کنیم که اکثر آیات علمی قرآن توجه به اثبات مبدأ و معاد دارد.

واژه «شی» در یک انسجام جامع از محور و مرکز هستی سخن می‌گوید، زیرا در «راس هرم معارف قرآنی توحید قرار دارد» (المیزان، ۱۰ / ۱۳۹) و در «اندیشه قرآنی این فکر الهی است که حکومت می‌کند و... خدا در قلب

و مرکز جهان هستی قرار دارد» (ایزوتسو، ترجمه احمد آرام، خدا و انسان در قرآن، ۹۱).

از نظر قرآن موجودات طبیعی آیات «نشانه‌های» حق تعالی هستند و طبیعت شناسی باید به منزله آیت شناسی تلقی شود و ما را از آیات به صاحب آیات برساند:

«مَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/۲۱)؛ «و از آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش یافته و باهم انس بگیرد، و میان شما مودت و رحمت برقرار نمود، بی‌گمان در این امر نشانه‌هایی است برای کسانی که فکر می‌کنند».

«وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/۲۴)؛ «و از آیات الهی نشان دادن برق است که ایجاد ترس و طمع می‌کند و از آسمان آب نازل می‌گرداند و زمین

را پس از مرگش زنده می‌سازد، همانا در این امر نشانه‌هایی است برای کسانی که تعقل می‌کنند».

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» (همان)؛ «و از آیات الهی خلقت آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان است که در این امر نشانه‌هایی برای دانشمندان موجود است».

طبیعت‌شناسی از دید قرآن مطلوب بالذات نیست و تنها در صورتی که ما را به خالق مدبر این جهان آشنا و نزدیک کند، مطلوب است.

طبیعت‌شناسی می‌تواند معرفت انسانها نسبت به خداوند را فزونی بخشد و نیز می‌تواند آنها را قادر سازد که از امکاناتی که خداوند برای خیر و سعادت ابدی شان فراهم کرده است استفاده کنند (قرآن و علوم طبیعت، ۱۱۱ - ۱۱۲).

۲- تشویق به علم از راه شناخت طبیعت (همان، ۱۱۳ - ۱۱۴)

در قرآن آیات زیادی داریم که بشر را به مطالعه طبیعت دعوت

می‌کنند، مانند:

﴿قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَ...﴾ (یونس/۱۰۱)؛ «بگو
بنگرید که در آسمان و زمین چه
چیزهایی است...».

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ *
وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات
/ ۲۱ و ۲۰)؛ «و در زمین برای اهل
یقین نشانه‌هایی است، و همین طور
در نفوس خود شما، آیا به چشم
بصیرت نمی‌نگرید؟»

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
بَدَأَ الْخَلْقَ...﴾ (عنکبوت/۲۰)؛ «بگو در
زمین سیر کنید و ببینید که خداوند
چگونه خلقت را آغاز کرد...؟»
﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ (طارق
/ ۵)؛ «پس انسان باید بنگرد که از
چه خلق شده است...؟»

این آیات گویای این هستند که
شناخت طبیعت امکان‌پذیر است
و گرنه امر به مطالعه آن نمی‌شد.

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ
لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
(نحل/۷۸)؛ «خداوند شما را از شکم
مادرانتان بیرون آورد در حالی که

چیزی نمی‌دانستید، و برای شما چشم
و گوش و دل «عقل» قرار داد. باشد
که شکر نعمت او را به جای آورید». استفاده
می‌شود که خداوند
استعداد شناخت را در بشر به ودیعه
نهاده است و انسانها باید این
استعداد را به نحو مناسب شکوفا
سازند. به علاوه، آیاتی نظیر:

﴿سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي
أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...﴾
(فصلت / ۵۳)؛ «ما آیات خود را در
آفاق جهان و در جانهای خودشان
به آنان نشان می‌دهیم تا آشکار شود
که او بر حق است...» نشان می‌دهند
که بشر به بسیاری از حقایق عالم
پی خواهد برد. و شناخت طبیعت
مقدمه‌ای برای شناخت خداست و
هدف فرعی است.

آیاتی که در آنها صحبت از
مسخر بودن امکانات طبیعی و
پدیده‌های جهان برای انسان شده
است، مثلاً:

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ﴾ (جاثیه/۱۳)
«و همه آنچه را که در آسمان‌ها و
زمین است مسخر شما قرار داد».

در این آیات خداوند متعال بندگان را به تفکر و نظر کردن در پدیده‌های طبیعی دعوت می‌کند تا از راه مشاهده نظم و هماهنگی دستگاه آفرینش، به عجایب خلقت پی ببرند. روشن است که برای درک مسائلی که در این آیات مطرح شده است و برای یافتن پاسخ سؤالاتی که در برخی از این آیات آمده است، دانستن علوم طبیعی ضروری است، زیرا مطالعه سطحی موجودات طبیعی نمی‌تواند انسان را با عظمت خلقت آشنا سازد. به همین جهت در آیات ۲۷-۲۸ سوره فاطر خداوند پس از ذکر تعدادی از پدیده‌های طبیعی، می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ یعنی تنها علماء عظمت خدای را در می‌یابند و خشیتی شایسته او در دلشان پیدا می‌شود.

نقشی که قرآن برای علوم تجربی از جهت خداشناسی قائل است، عامل اصلی رویکرد دانش‌پژوهان مسلمان به این علوم شد و در واقع پیدایش تمدن درخشان اسلامی را باید تا حد زیادی در گرو آن دانست. این مطلب را هم محققان

غیرمسلمان متذکر شده‌اند. جرج سارتون در کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ علم عقیده دارد که برای درک کامل علت فعالیت مسلمانها در رشته‌های علمی باید به نقش محوری قرآن برای آنها توجه کرد. او می‌نویسد:

«من بار دیگر می‌پرسم که چگونه می‌توان به شناخت درستی از دانش مسلمانان دست یافت؛ اگر تمرکز آن حول قرآن را کاملاً درک نکنیم؟» (George Sarton,) Introduction to the History of Science, Vol. 1, p.5.

هدف فرعی قرآن در گزاره‌های علمی آن است که از آفرینش واقع‌نمایی نماید و انسان را به مطالعه و توجه به طبیعت تشویق کند.

دو هدف بالا برای هر مورد از آیاتی که قرآن از طبیعت سخن می‌گوید، صدق می‌کند.

نتیجه:

قرآن کتاب هدایت است و گزاره‌های علمی و اشارات علمی آن قابل توجه می‌باشد. اهداف اصلی گزاره‌های علمی قرآن شناخت خدا، آخرت، همدفداری آفرینش و نشان

دادن اعجاز قرآن است و اهداف فرعی که مقدمه رسیدن به اهداف اصلی است، عبارتند از: طبیعت شناسی و تشویق مسلمانان به مطالعه و بررسی علوم برای شناخت خدا.

منابع:

۱. ابوحجر، احمد عمر، التفسیر العلمی فی المیزان، دارقنیه، بیروت، ۱۴۱۱ هـ = ۱۹۹۱ م، اول.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۱.
۳. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۴. خوئی، ابوالقاسم، البیان، انتشارات کعبه، تهران، ۱۳۶۶.
۵. رافعی مصطفی صادق، الاعجاز القرآن و البلاغه، النبویه، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۳ م.
۶. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الکریم (المنار)، دارالمعرفه، بیروت.
۷. رضائی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
۸. رضائی اصفهانی، محمد علی، درآمدی

- بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵ ش.
۹. رفیعی محمدی، ناصر، تفسیر علمی قرآن تهران، فرهنگ گستر، ج ۱، ۱۳۷۹.
 ۱۰. السید، رضوان، مساله الاعجاز و الاعجاز العلمی فی القرآن، www.multaka.net.
 ۱۱. شحاته، محمود عبدالله، تفسیر الایات الکونیه، دار الاعتصام، قاهره، بی تا.
 ۱۲. شهابی، محمود، ادوار فقه، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۶۹.
 ۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.
 ۱۴. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۵. گلشنی، مهدی، قرآن و علوم طبیعت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
 ۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۶۷ ش.
 ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دارالکتب السلامیه، تهران، ۱۳۷۷.
 ۱۸. نصر، سید حسین، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.